

## اوقات خوش

اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد. این سخن حکیمانه هم به تعبیر حافظ ناظر به «دوستان جانی» است که نمی‌توان از آنها دل برید و اوقات خوشی را در جوارشان سپری نکرد؛ هم ناظر به دوستان نادیده‌ای که از جنس کلمه و سطر و ورق و جلداند و به نحو مجازی با تو سخن می‌گویند و روزگارت را رونق می‌بخشند: کتاب‌هایی که می‌خوانی.

کتاب برایم حکم سرسبزی بوستان و طراوت باران و گرمای خورشید را دارد؛ اگر چند صباحی بگذرد و مقاله و یا کتاب جان‌بخش و روح‌نواز و دل‌انگیزی نخوانم؛ پکر و ملول و دل‌مرده می‌شوم و می‌پژمرم و احساس گیاهی را پیدا می‌کنم که چند روزی است آفتاب ندیده و آب نخورده....

طی یک ماه گذشته، در کنار اشتغالات متعارف و کار و بار و درس و مشق موظف، سه کتاب را در مطالعه گرفتم: «عباس کیارستمی و فیلم - فلسفه»، نوشته متیو ابوت، ترجمه صالح نجفی؛ «رفیق اعلی»، نوشته کریستیان بوبن، ترجمه پیروز سیار و «فیه ما فیه»، نوشته جلال‌الدین رومی، ویراسته جعفر مدرس صادقی.

عموم فیلم‌های مرحوم کیارستمی را دیده‌ام؛ سبک کار و نوع نگاهش به زندگی را دوست دارم؛ خصوصاً که سینمایش متأثر از نگاه شاعرانه و عارفانه سهراب سپهری به هستی است و مشخصاً دو فیلم «خانه دوست کجاست؟» و «باد ما را خواهد برد» او، آشکارا تداعی‌کننده آموزه‌های شاعر و نقاش معاصر کاشانی است. متیو ابوت، در اثر خود، با وام کردن پاره‌ای مفاهیم فلسفی، خصوصاً از فلسفه ویتگنشتاین؛ به تحلیل فلسفی آثار کیارستمی پرداخته، مشخصاً آثاری که متعلق به دوران متأخر کاری اوست؛ از زمانی که به سبب ساختن فیلم تحسین شده «طعم گیلان»، برنده جایزه «نخل طلا» شد. در مجموع، نگاه نویسنده به سینمای کیارستمی و نگرش فلسفی‌اش به مدیوم سینما را پسندیدم.

«رفیق اعلی» را حدوداً بیست سال پیش خوانده بودم؛ این نوبت کتاب سخت به دلم نشست. خصوصاً که دریافتم بوبر عمیقاً متأثر از سورن کیر که گارد و سیمون وی است و دغدغه‌های معنوی پررنگی دارد و مشی و مرام آنها را می‌پسندد. به روایت کنونی‌ام، بوبر در زمره سالکان مدرن است و در اندیشه به دست دادنِ حدود و ثغور سلوک معنوی در روزگار کنونی و تحقق تجربه‌های کبوترانه در جهان راززدایی شده پیرامونی.

فقراتی از «فیه ما فیه» با تصحیح مرحوم فروزانفر را بیشتر خوانده بودم؛ کتابی که برای فهم دست کم فقراتی از «مثنوی معنوی»، رهگشا و کارآمد است. به نظرم مدرس صادقی، زحمت زیادی کشیده و جهد پر توفیقی ورزیده و ویراستی درخور و خوش‌خوان از این اثر مولانا فراهم آورده است. افزون بر نکات حکمی و اخلاقی، سلامت و پاکیزگی و روانی نثر این کتاب که در قرن هفتم هجری نگاشته شده، چنانکه مدرس صادقی نیز متذکر شده، چشم‌گیر است و لذت‌خواندن این کتاب را صد چندان می‌کند.

اگر تدبیر موافق تقدیر افتد، پس از اتمام دوره سی و سه جلسه‌ای «شرح منطق الطیر» که چهار جلسه از آن باقی مانده، به شرح «فیه ما فیه» جلال‌الدین رومی، مبتنی بر این نسخه همت خواهم گمارد. خواندن سه اثر فوق را به دوستان عزیز و همدل پیشنهاد می‌کنم.